



خیلواکی

استقلال

www.esteglaal.net

دوشنبه ۰۵ جنوری ۲۰۲۶

از منابع دیگر

نجیب را بهتر بشناسیم

قسمت چهارم

بطور نمونه یک داستان و خاطره از تیرباران و به آتش زدن ۴۱ جوان نامراد و ط
نم را برایتان به شرح ذیل نقل میکنم که توسط مادر یکی از این جوانان شهید به م
ا از هالند ارسال شده.

تیرباران و به آتش کشیدن 41 نیروی قوای هوایی در چنداول کابل (10 سرطان 1358)

دوستان عزیز این جنایات خلقی ها و پرچمی های خونخوار آنقدر وحشتناک بود که یادآوری آن مغز استخوان را میسوزاند. در 10 سرطان 1358 وقتی که مردم چنداول الله اکبر گفتند، از طرف دولت کثیف امر بمباردمان چنداول برای قوای هوای غند اول بگرام را دادند، اما 41 نفر پیلوت، معاون پیلوت و انجیران مخابره طیاره اعتصاب کردند و حاضر نشدند که مرکز مهم زندگی اهل تشیع را که همه برادران دینی و مذهبی شان بودند، بمبارد کنند، آنوقت ها اختلاف مذهبی و قومی نبود، به همین خاطر دژخیمان خونخوار که تعداد شان 5 نفر بود و عبارت بودند از:

* غوث الدین قومندان غنداول میدان هوایی بگرام

* سیداحمد آمرسیاسی میدان بگرام

* انارگل مدیرخاد میدان بگرام و

* دوست محمد خان معاون سیاسی میدان هوایی خواجه رواش و

* جنرال حکیم

محکمه صحرایی دایر کرده 41 نفر را محکمه کرده و حکم اعدام شانرا دادند. آنها را در پایه های چوبی بسته بر آنها گلوله باری کردند به بالای چوب ها تیل انداختند و جنازه های آنها را آتش زدند. نه نامی و نه نشانی از آن ها نماند، حتی درلست 5000 هزار نفر هم نام هایشان نبود. این است قصه

غم انگیز 41 جوان تحصیل یافته ما که فامیل های محترم شان تا امروز در ماتم نشسته اند، از جمله خودم . اما آن پنج نفر قاتل زنده و حیات استند، تاجائیکه میدانم و این جنایت در زمان اسدالله سروری لعین، قصاب و خونخوار صورت گرفت، وی رئیس خاد زمان حفیظ الله امین بود. خلاصه قصه دراز است، اما بیان آن دلخراش.

یکتن از جنرالان روسی، بنام جنرال لف گورلوف، در خاطرات خود نوشته است: «ما به طرف هرات در هلیکوپتر در پرواز بودیم، چون هوا سرد بود و در زمین برف بود. پائین زمین سرخ می زد، و بعد به داکتر نجیب مخابره کردم که چرا مردم هرات را قتل عام کردی، او در پاسخ گفت که ببرک کارمل قومانده داده است. سپس به ببرک کارمل تماس می گیرد و برایش می گوید که «سگ خود را ببند»، که مردم خود را قتل عام کرد. در آن روز ۲۵ الی ۳۰ هزار نفر توسط داکتر نجیب به قتل رسیدند.»

این خاطره در کتاب بوریس وسولوویچ گُرموف — (Boris V. Gromov) فرمانده ۴۰- ارتش شوروی در افغانستان و آخرین فرمانده خروج نیروها، کتاب معروف او «Ограниченный контингент» («Ограниченный контингент» روسی Ogranichennyi contingent : قشون محدود» یا Limited Contingent، گنجانیده شده است.

ادامه دارد...